

کھنڈی حسی علیہ السلام



چهل حدیث از حضرت امام حسن مجتبی ؑ

# گهرهای حسنی ؑ

تهییه و تنظیم:  
احمد زمانی



نشر معروف

قم - خیابان مصلای قدس - شماره ٦٨٢

صندوق پستی ١٥٨ - ٣٧١٦٥

تلفن ٢٩٢٦١٧٥ - ٢٩٣٩١٤١



زمانی، (رج Buckley) احمد، ۱۳۳۳

چهل حدیث از امام حسن مجتبی علیهم السلام - گهرهای حسنی

تألیف احمد زمانی قم: نشر معروف، ۱۳۸۰. ص ۸۰، ۱۴۸۱۱ س. م.

ISBN 964 - 6739 - 34 - 2

فهرستنويسي براساس اطلاعات فيبا (فهرستنويسي پيش از انتشار).

عنوان روی جلد: گهرهای حسنی

فارسي - عربى

كتابنامه: به صورت زيرنويس.

۱. اربعينات، قرن ۱۴ - ۲. حسن بن علي علیهم السلام، امام دوم، ۳۴۹ق، احاديث -

۳. احاديث شيعه قرن ۱۴. الف. عنوان.

نام کتاب: چهل حدیث «گهرهای حسنی» علیهم السلام
مؤلف: ..... احمد زمانی
چاپ ..... نگارش - قم
نوبت چاپ: سوم ..... آبانماه ۱۳۸۰
شمارگان ..... ۵۰۰۰ نسخه

ISBN 964 - 6739 - 34 - 2

۹۶۴ - ۶۷۳۹ - ۳۴ - ۲



نشر معروف

قم - خيابان مصلائي قدس

شماره ۶۸۲ - تلفن ۰۹۳۹۱۴۱

صندوق پستي ۱۵۸ - ۳۷۱۶۵

دورنويis ۰۹۲۶۱۷۵

آدرس پست الکترونيکي جهاني MAROOF@NOORNET.NET

قيمت: ۱۵۰۰ ریال

## فهرست

۶	مقدمه
۸	زندگینامه امام حسن مجتبی <small>ؑ</small>
۱۵	۱- خداشناسی
۱۷	۲- خشنودی خداوند
۱۹	۳- شناخت قرآن مجید
۲۱	۴- پیروان حقیقی قرآن
۳۸	۵- قرآن در صحنه قیامت
۲۵	۶- فضائل اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۸	۷- مکارم اخلاق چیست؟
۳۰	۸- آرامش در پرتو ولایت

۳۲	۹- آمرزش گناهان در پرتو محبت
۳۴	۱۰- غفلت در دنیا و پشمیمانی در آخرت
۳۵	۱۱- حکومت و اهل بیت علیهم السلام
۳۷	۱۲- فرجام امامان راستین
۳۸	۱۳- شیعیان کیستند و دوستان کدامند
۴۰	۱۴- معیارهای دوستان سالم
۴۲	۱۵- سیاست از دیدگاه معصوم
۴۴	۱۶- عزّت مؤمن
۴۶	۱۷- انتخاب دوست
۴۷	۱۸- توجه به حقوق دیگران
۴۸	۱۹- نیکی چیست؟
۴۹	۲۰- عبادت در سرزمین عرفات
۵۰	۲۱- تقوا
۵۲	۲۲- چگونگی ورود به نماز
۵۴	۲۳- دعای قنوت
۵۶	۲۴- چگونگی ورود به مسجد
۵۷	۲۵- فواید رفت و آمد به مسجد

۵۸	- توجه به قیامت
۶۰	- ماه رمضان ماه آزمایش
۶۲	- چاره‌اندیشی در ترک گناه
۶۴	- رذائل اخلاقی (تکبر، حرص، حسد)
۶۶	- بُخل
۶۷	- آداب غذا خوردن
۶۹	- شستن دستها قبل از خوردن غذا
۷۰	- چرا وحشت از مرگ؟!
۷۱	- هرگز نیازمند را دست خالی بر نگردانید
۷۳	- نیکی را اینگونه پاسخ دهید
۷۵	- اهمیت غذای روحی
۷۶	- خانه دنیا سرگرمی است
۷۷	- مراعات سه نکته در جامعه
۷۸	- جانشینان پیامبر ﷺ
۷۹	- مهدی - عج - از زبان امام مجتبی علیه السلام

## مقدمه

زندگی سراسر افتخار و پر فراز و نشیب امام دوم «حسن بن علی ؓ» آن قدر زیبا و شگفت انگیز است که هر انسان متعهدی را به خود جذب می‌کند. صبر و مقاومت، شجاعت و شهامت، دور اندیشی ژرف و راهبری اطمینان بخشش سبب شد که پیامبر ﷺ او را «مصلح بزرگ»<sup>(۱)</sup> بنامد و برایش کنیه «ابو محمد»<sup>(۲)</sup> را انتخاب کند.

ریحانه پیامبر، گوشواره عرش الهی، بسان آفتاب ما را به خود خیره کرد تا در ذره ذره وجود پر بهره‌اش به قدر توان خویش بیندیشیم و او را به دیگران معرفی کنیم. کتاب «حقایق پنهان» (پژوهشی در زندگی سیاسی امام حسن مجتبی ؓ) همان باور راستین مانسبت به آن حضرت است که با فضل و عنایات الهی پژوهشی گسترده را به خود اختصاص داده و توسط انتشارات دفتر

۱ - یوسف مزی، تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۲۳۲؛ تذكرة الخواص، ابن

جوزی، ص ۱۷۷. ۲ - اعيان الشيعه، ج ۱، ص ۵۲۶.

تبليغات حوزه علميه قم چاپ شد که علاقهمندان با آن حضرت می توانند آن را تهیه کنند.

اینک با استفاده از فصل سیزدهم آن کتاب به همراه احادیث دیگری از سبط اکبر رسول خدا ﷺ چهل حدیث را تنظیم نمودیم تا درسی آموزنده برای طبقه جوان و نوجوان جامعه ما باشد، امید آن که خداوند منان مارامشمول حدیث نبوی ذیل گرداند.

«مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا ... حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ النَّبِيِّنَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ<sup>(۱)</sup>؛  
هر کس از افراد امت من چهل حدیث و گفتار از سخنان ما را حفظ کند. خداوند روز قیامت او را به همراه انبیاء عظام و راستگویان و شهداء و صالحان محشور خواهد نمود.

از دست اندرکاران مؤسسه نشر معروف که بدین مهم دست یازیده‌اند و برای هر یک از ائمه معصومین ﷺ چنین اقدامی را کرده‌اند تشکر می‌نماییم.

رجعلی (احمد) زمانی

۲/۹/۷۵ هـ . ش

۱ - بحار الانوار، ج ۲، ب ۲۰، ص ۱۵۴؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۵۵،

۲۹۱۸۵ - ۲۹۱۹۵ ح

## زندگینامه امام حسن مجتبی علیهم السلام

به قلم: جواد محمدثی

پیشوای دوم شیعیان، سبط اکبر پیامبر، حسن بن علی علیهم السلام، پدرش امیر المؤمنین و مادرش فاطمه زهراء علیهم السلام بود. در سال سوم هجری در مدینه به دنیا آمد. تولد او شادی و سروری عظیم در خانه علی و فاطمه پدید آورد. هفت سال از دوران زندگیش همراه با پیامبر خدا علیهم السلام و درآغوش پُرمهر او و برخوردار از حمایت و هدایت و تربیت او سپری شد. او و برادرش امام حسین علیهم السلام، مورد علاقه شدید حضرت رسول بودند و پیامبر، این دو عزیز را «سرور جوانان بہشت» می‌نامید.

با رحلت حضرت رسول علیهم السلام، امام مجتبی به وجود پدر و مادر خویش دلگرم بود. پس از چند ماه، مادرش نیز شهید شد. از آن پس تحت تربیت پدر بزرگوار خویش قرار گرفت. در دوره سه خلیفه، شاهد مظلومیت پدر خویش و اهل بیت بود. وقتی حضرت علی علیهم السلام به خلافت رسید، او یکی از بازوهای پر توان پدر در اداره امور حکومت بود. در سال ۳۶

هجری، در حالی که ۳۳ سال داشت، همراه پدرش به بصره رفت و سپس در کوفه اقامت گزید. در جنگهای جمل و صقین در رکاب پدر، با پیمان شکنان و متجاوزان جنگید.

وقتی حضرت علی علیه السلام در سال چهلم هجری به شهادت رسید، امام مجتبی علیه السلام به خلافت رسید و با مردمی که با وی بیعت کردند، راه پدر را که نبرد با معاویه و فتنه انگیزان بود در پیش گرفت و سپاهی آراست و آماده نبرد شد، زیرا معاویه که دشمن این خاندان بود، پیوسته به بهانه خونخواهی عثمان و در نهایت با دعوی خلافت، به قلمرو حکومت حضرت مجتبی علیه السلام لشکر می کشید و غارت می کرد و شبیخون می زد. حضرت مصمم بود تا با معاویه بجنگد، ولی تبلیغات تفرقه افکنانه معاویه و تطمیع برخی از فرماندهان سپاه امام و کشاندن آنان به سوی خود و سست عهدی و خیانت برخی از یاران حضرت، شرایطی را پیش آورد که امام حسن علیه السلام نبرد را به صلاح ندید و بی نتیجه یافت و مظلومانه تن به پیشنهاد صلح و ترک جنگ داد و با شرایطی حکومت را به معاویه واگذار کرد و از

آن پس به مدینه بازگشت و تا پایان عمر، در این شهر ماند و دوران تلح و سختی را گذراند.

معاویه به هیچ یک از تعهدات خویش در صلحنامه عمل نکرد. بر سختگیری خویش نسبت به هواداران امام و اهل بیت افزود و در ملاً عام و در خطبه‌ها، ناسزاگویی به امیرالمؤمنین را رواج داد. امام حسن علیهم السلام در این مدت خون دل می‌خورد و صبر می‌کرد و چاره‌ای هم نداشت.

این مدت تلح، ده سال طول کشید. ده سالی که امام حتی در خانهٔ خویش از تعریض دشمن در امان نبود و همسرش جعده دختر اشعث با دشمنان همدستی و همکاری می‌کرد و نقش یک جاسوس خانگی را داشت.

امام حسن علیهم السلام با آن همه تبلیغات مسموم و توطئه‌های دشمن، به خاطر فضایل و کراماتی که داشت، محبوب دلها بود و هر کس یک بار با او برخورد می‌کرد، شیفتۀ اخلاق و والا و شخصیت معنوی و علمی او می‌شد و عظمت رسول خدا را در سیمای پاک و فروزان او مشاهده می‌کرد.

آن حضرت، در خانهٔ خویش، بساط گسترده‌ای برای

پذیرایی از فقیران و غریبان و میهمانان داشت و سفره جود و سخاوت او باز بود و همین ویژگی، دلهای زیادی را جذب خاندان پیامبر می‌کرد.

صلح امام مجتبی علیه السلام با معاویه و واگذاری خلافت به او، گرچه برای شیعیان و برخی از یاران انقلابی و پرشور حضرت، تlux و غیر قابل تحمل بود، لیکن امام، با درایت خویش بدین وسیله هم جلوی ریخته شدن بی جهت و بی ثمر خونهای زیادی را گرفت، هم مانع اجرای توطئه‌های خطرناکتر معاویه شد که می‌خواست به نحوی ریشه اسلام را بخشکاند و اهل بیت و فرهنگ نورانی آنان را نابود سازد. زمینه ساز این عقب نشینی از صحنه مبارزه با باطل هم، کوتاهی و دنیازدگی و خیانت برخی از فرماندهان و سربازان امام بود و شرایط، حتی برای شهادتی خوین و تحول آفرین و رسوا ساز هم فراهم نبود. این بود که آن حضرت برای مصلحت اسلام و مسلمین جام تlux صلح را سر کشید و در این راه، زخم زبانهایی از نزدیکترین یارانش هم شنید. امام در مدت باقی مانده از عمرش، به تبیین مکتب و

تربيت شاگردان و نيروهای فداکار پرداخت و موقعیت والا و ارزشی اهل بيت را با نوع رفتارش، در حد مطلوب حفظ کرد.  
هر چند در برخی نقل‌ها، نسبتهای نادرست و داشتن همسران فراوان و... به حضرت می‌دادند، ولی زندگی سراسر زهد و عبادت و سخاوت حضرت، دور از اين آليشهها و تشکيل حرم‌سرا بود.

شخصیت اخلاقی والای امام حسن علیهم السلام، از او الگویی برای کمال و معرفت و پارسایی ساخته است. نمونه‌های مهمی از سیره او را می‌توان به عنوان درس زندگی قرار داد. آن حضرت با فقیران و محروم‌مان همدردی می‌کرد و در حد توان، زندگی آنان را تأمین می‌نمود. با حلم و برداری شگفت، بدرفتاری‌های دیگران را نسبت به خویش مورد عفو قرار می‌داد، ناسزاگویی جاهلان را با نرم‌ترین بيان و عاطفی‌ترین ب Roxورده، پاسخ می‌داد و با اين شيوه، دشمن را به دوست و بيگانه را به خودی تبدیل می‌کرد. كرم و سخاوت او در حدی فraigir و گستردگ بود که به وي لقب «کريم اهل بيت» داده بودند و کسی از در خانه او دست

حالی و ناالمید بر نمی‌گشت و در همهٔ این بخشش‌ها حیثیت و آبروی سائل و نیازمند را حفظ می‌کرد، تا او شرمنده نشود. پیوسته در عبادت و اطاعت خدا بود و عاشقانه به نماز می‌ایستاد و همواره لب‌های مبارکش به ذکر خدا گویا بود. با یاد مرگ، به خوف و گریه می‌افتداد و در نماز و وضو، حالتی منقلب داشت و هنگام ایستادن به نماز، رنگ از چهره‌اش می‌پرید و خشوع و خصوعی عظیم داشت. بیست و پنج بار با پای پیاده به زیارت خانهٔ خدا و سفرح مشرف شد و این نشانهٔ عشق او به معبد بود. تلاوت قرآن‌ش همراه با تدبیر و سوز و حال بود. اهل صدقه و انفاق بسیار بود. دو بار همهٔ دارایی‌اش را به نیازمندان بخشید. با این همه در زهد و پارسایی و دلبسته نبودن به دنیا و ارزشمند شمردن سرای آخرت، الگو و پیشتاز بود. هیبت و وقار او همه را تحت تأثیر قرار می‌داد و یادآور مهابت رسول الله بود.

با آنکه حکومت را در قرار داد صلح به معاویه واگذاشت، ولی از امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی نمی‌کرد و از خلافکاری‌های معاویه انتقاد داشت. بارها در برخورد با

معاویه با او بحث کرد و از زشتی‌های بنی امیه گفت و جایگاه والای خاندان پیامبر را ستود.

امام حسن علیهم السلام، تداوم نسل پیامبر بود. از فرزندان او که در کربلا به شهادت رسیدند، می‌توان از حضرت قاسم، عبدالله، ابوبکر و زید نام برد. شجره نامه بخشی از سادات به آن حضرت منتهی می‌شود و به سادات حسنی و طباطبایی معروفند.

باری... امام مجتبی علیهم السلام، پس از عمری حیات پربرکت، در سال ۵۰ هجری در مدینه به شهادت رسید. هنگام شهادت ۴۷ سال داشت. شهادت او با توطئه معاویه و به دستِ همسرش جُده انجام گرفت که امام را مسموم ساخت. بدخواهان اجازه ندادند که پیکر مطهرش را در کنار قبر جدش رسول خدا علیهم السلام دفن کنند، ناچار در قبرستان بقیع مظلومانه به خاک سپرده شد. این مظلومیت هنوز هم باقی است و قبور ویران و بی‌ساییان امامان مدفون در بقیع، صحنه‌ای جانگذاز و شاهدی برخصوصیت آشتبانی ناپذیر دشمنان اهل‌بیت، با این خاندان نور و پاکی است.

□ □ □

## خداشناسی

قالَ الْحَسْنُ بْنُ عَلِيٍّ فِي قَوْلِ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - :  
 «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»: فَقَالَ:  
 اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَتَأَلَّهُ إِلَيْهِ عِنْدَ الْحَوَائِجِ وَالشَّدَادِ  
 كُلُّ مَخْلُوقٍ عِنْدَ اِنْقِطَاعِ الرَّجَاءِ مِنْ كُلِّ مَنْ دُونَهُ  
 وَتَقْطَعُ الْأَسْبَابُ مِنْ جَمِيعِ مَنْ سِوَاهُ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ  
 أَيُّ أَسْتَعِينُ عَلَى أَمْوَارِي كُلُّهَا بِاللَّهِ الَّذِي لَا تُحِقُّ  
 الْعِبَادَةُ إِلَّا لَهُ، الْمُغَيْثُ إِذَا اسْتَغْيَثَ وَالْمُجِيبُ إِذَا  
 دُعِيَ .

امام مجتبی علیهم السلام با تفسیر «بسمله»<sup>(۱)</sup> راه فطرت (که یکی از

۱ - بسمله، مصدر قراردادی «بسم الله الرحمن الرحيم» است.

قوی‌ترین برهانهای خداشناسی است) را بیان می‌کند، آن حضرت فرمود:

«خداوند متعال وجودی است که همه موجودات در نیازمندی و سختیها به او پناه می‌برند، به ویژه هنگامی که امید از غیر او قطع گردد و همه وسائل و اسباب را ناچیز ببیند. [یعنی فطرت خداشناسی، انسان را در تنگناها به سوی واجب الوجود هدایت می‌کند] این که می‌گویی: «بسم الله ..»؛ یعنی یاری و کمک می‌خواهم در همه کارهایم از خداوندی که عبادت (خضوع و کرنش) برای غیرش سزاوار نیست، او فریادرسی است که به هنگام دادخواهی دستگیری می‌نماید، و اگر کسی بخواندش پاسخ می‌گوید.»<sup>(۱)</sup>

۱ - بحار الانوار، ج ۳، ص ۴۱، ح ۱۶ به نقل از تفسیر امام حسن عسکری علیهم السلام



## خشندی خداوند

قَيْلَ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلَىٰ : إِنَّ أَبَاذَرَ يَقُولُ :  
الْفَقْرُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْغِنَى وَالسُّقْمُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الصِّحَّةِ .

فَقَالَ :

رَحِمَ اللَّهُ أَبَاذَرَ ، أَمَّا أَنَا أَقُولُ : مَنْ اتَّكَلَ عَلَىٰ  
حُسْنِ إِخْتِيَارِ اللَّهِ لَمْ يَتَمَنَّ أَنَّهُ فِي غَيْرِ الْحَالَةِ الَّتِي  
اخْتَارَ اللَّهُ لَهُ ، وَهَذَا حَدُّ الْوُقُوفِ عَلَى الرِّضَا بِمَا  
تَصَرَّفَ بِهِ الْقَضَاءِ .

به امام مجتبی علیهم السلام گفته شد، که ابادر - ره - می گفت: «فقر و تنگدستی را از بینیازی، و بیماری را از تندرستی و سلامتی بیشتر دوست دارم». حضرت فرمود:

خداوند ابوذر را رحمت کند اما من می‌گویم: آن  
کس که بر حسن اختیار خداوند اعتماد کند، چیزی  
را نمی‌طلبد که جز خداوند برایش انتخاب کرده  
باشد. و این است معنای خشنودی در برابر حکم  
خداوند - سبحان -<sup>(۱)</sup>

---

۱ - تاریخ الخلفاء، ص ۱۹۱؛ تهذیب، ابن عساکر، ج ۴، ص ۲۱۷ بیانگر  
مضمون فوق است.

## شناخت قرآن مجید

قالَ الْحَسْنُ بْنُ عَلِيٍّ فِي وَصْفِ الْقُرْآنِ الْمَجِيدِ:  
إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ النُّورِ، وَشِفَاءُ الصُّدُورِ،  
فَلَيَجْلُلْ جَالُ بَصَرَهُ وَيَفْتَحْ لِلضَّيَا نَظَرَهُ،  
فَإِنَّ التَّفْكِيرَ حَيَاةُ الْقَلْبِ الْبَصِيرِ،  
كَمَا يَمْسِي الْمُسْتَنِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ.

امام حسن مجتبی ﷺ در توصیف و شرح حال قرآن مجید فرمود:  
«در این قرآن است چراغهای درخشنده هدایت و  
شفای دلها و قلبها، پس باید دلها را با فروع  
تابناکش روشن ساخت و با گوش فرادادن به

فرامینش، قلب را که مرکز فرماندهی بدن است، در اختیارش گذاشت؛ زیرا به وسیله اندیشیدن، قلب، زندگی روشن خود را می‌یابد، همان طوری که رهروان در پرتو نور از تاریکیها گذر می‌کند و می‌رهند.»<sup>(۱)</sup>

---

۱ - کشف الغمة، ابو الفتح اربیلی، ج ۲، ص ۱۹۹؛ بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۲، ح ۶؛ اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۶۰۰، ح ۵، باب فضل القرآن؛ روایت فوق را مرحوم کلینی با اختلاف مختصری از امام صادق-ع - نقل کرده است.

## پیروانِ حقیقی قرآن

قالَ الْحَسْنُ بْنُ عَلِيٍّ :

«مَا بَقَى فِي الدُّنْيَا بِقِيَةً غَيْرَ هَذَا الْقُرْآنِ  
فَاتَّخِذُوهُ إِمَامًا يَدْلُكُمْ عَلَى هَذَا كُمْ،  
وَإِنَّ أَحَقَ النَّاسِ بِالْقُرْآنِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَإِنَّ لَمْ يَحْفَظْهُ  
وَأَبْعَدَهُمْ مِنْهُ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ وَإِنْ كَانَ يَقْرَأُهُ.»

«تنها چیزی که در این دنیای فانی، باقی می‌ماند  
قرآن است، پس قرآن را پیشوا و امام خود قرار  
دهید، تا به راه راست و مستقیم هدایت شوید.  
همانا نزدیک‌ترین مردم به قرآن کسانی هستند

که بدان عمل کند، گرچه به ظاهر (آیات) آن را حفظ نکرده باشند و دورترین افراد از قرآن کسانی هستند که به دستورات آن عمل نکنند گرچه قاری و خواننده آن باشند.»<sup>(۱)</sup>



## قرآن در صحنۀ قیامت

قالَ الْأَمَامُ الْمُجَتبِيَ :

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَجِئُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ قَائِدًا وَسَائِقًاً

يَقُودُ قَوْمًا إِلَى الْجَنَّةِ

أَحَلُّوا حَلَالَهُ وَحَرَّمُوا حَرَامَهُ وَآمَنُوا بِمُتَشَابِهِ

وَيَسُوقُ قَوْمًا إِلَى النَّارِ

ضَيَّعُوا حُدُودَهُ وَأَحْكَامَهُ وَاسْتَحْلُوا حَرَامَهُ».»

«قرآن در صحنۀ قیامت به صورت رهبر و امام

ظهور یافته، مردم را به دو دسته تقسیم می‌کند:

۱ - کسانی که به قرآن عمل نموده، حلال و حرام

آن را همانگونه که هست بجا آورده‌اند و متشابه آن را با قلب پذیرا شده‌اند، قرآن اینان را به سوی بهشت جاویدان هدایت می‌نماید.

۲ - آنان که حدود و قوانینش را ضایع نمودند و محرماتش را حلال شمرده و به آن تعدی کردند، قرآن آنها را به سوی آتش (جهنم) روانه می‌سازد.»<sup>(۱)</sup>

---

۱ - ارشاد القلوب، دیلمی، ص ۱۰۳، مرکز نشر کتاب.

## فضائل اهل بيت

قالَ الْحَسْنُ بْنُ عَلِيٍّ :

«أَيُّهَا النَّاسُ اغْقِلُوا عَنْ رَبِّكُمْ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ  
اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحاً وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى  
الْعَالَمِينَ، ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيهِمُ،  
فَنَحْنُ الذُّرِّيَّةُ مِنْ آدَمَ وَالْأُسْرَةُ مِنْ نُوحٍ، وَالصَّفْوَةُ  
مِنْ إِبْرَاهِيمَ، وَالسُّلَالَةُ مِنْ إِسْمَاعِيلَ وَآلُ مُحَمَّدٍ  
نَحْنُ، فِيْكُمْ كَالسَّمَاءِ الْمَرْفُوعَةِ وَالْأَرْضِ الْمَدْحُوَةِ  
وَالشَّمْسِ الصَّاحِيَّةِ وَكَالشَّجَرَةِ الزَّيْتُونَةِ، لَا شَرْقِيَّةٌ  
وَلَا غَرْبِيَّةٌ الَّتِي زَيَّتُهَا النَّبِيُّ ﷺ وَعَلَيْهِ فَرْعُهَا،

وَنَحْنُ وَاللَّهِ ثَمَرَةُ تِلْكَ الشَّجَرَةِ، فَمَنْ تَعَلَّقَ  
بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا نَجَنِي وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا  
فَإِلَى النَّارِ هَوَىٰ..»

«ای مردم علم و معرفت را از پروردگار خود بیاموزید. همانا خداوند بزرگ آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را برای جهانیان، به پیامبری برگزید، آنان دودمانی بودند که (پاکی، تقوا و فضیلت را) بعضی از بعض دیگر گرفته بودند. خداوند (به کوششهای آنان در راه رسالت) شنوا و داناست.

مردم! ما - اهل بیت - از فرزندان آدم و دودمان نوح و فرزندان برگزیده ابراهیم و تبار اسماعیلیم، ما

آل محمد، در میان شما همانند آسمان بلند و همچون زمین گستردۀ و مثل خورشید پر فروغیم. همانند درخت زیتونیم که نه به شرق مایل است و نه به غرب. درختی که ریشه‌اش رسول خدا است و شاخه‌اش علی بن ابی طالب است. سوگند به خدا ما (اهل بیت) میوه آن درختیم، پس هر کس به یکی از شاخه‌های آن چنگ زند نجات می‌یابد (و سعادتمند است) و هر کس از آن جدا شود جایگاهش آتش است.»<sup>(۱)</sup>

---

۱ - الروائع المختارة، سید مصطفی موسوی، ص ۷۲، خطبه ۴۵؛ به نقل از جلاء العيون، سید عبد الله شبر.



## مَكَارُمُ الْأَخْلَاقِ چیست؟

قالَ الْحَسَنُ ﷺ :

مَكَارُمُ الْأَخْلَاقِ عَشَرَةً:

صِدْقُ اللِّسَانِ وَ صِدْقُ الْيَأسِ<sup>(۱)</sup> وَ إِعْطَاءُ السَّائِلِ  
وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الْمُكَافَاةُ بِالصَّنَاعَةِ وَ صِلَةُ الرَّحِيمِ  
وَ التَّذَمُّمُ عَلَى الْجَارِ وَ مَعْرِفَةُ الْحَقِّ لِلصَّاحِبِ،  
وَ قِرَى الضَّيْفِ وَ رَأْسُهُنَّ الْحَيَاةِ.

۱ - در بعضی نسخه‌ها «صدق البأس» آمده است باس دارای دو معنی است: ۱ - شجاعت ۲ - فقر و تنگدستی.

در این دو صورت معنای «صدق البأس» چنین می‌شود: صداقت در شجاعت و یا صداقت در خضوع ظاهربی. بحار الانوار، ج ۶۷، صص

.۳۶۸-۹

امام حسن علیهم السلام فرمود:

مکارم اخلاق ده چیز است:

۱. راستگوئی
۲. نومیدی راستین از غیر خدا
۳. بخشش به نیازمندان
۴. خوش خلقی
۵. پاداش در برابر خدمات دیگران
۶. پیوند و رفت و آمد با خویشاوندان
۷. حمایت از همسایه
۸. توجه به حقوق دوستان
۹. مهمان نوازی
۱۰. و مهمترین اینها شرم و حیاء است.<sup>(۱)</sup>

۱ - تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۵.



## آرامش در پرتو ولایت

امام مجتبی علیه السلام در حضور پدر گرامی اش خطبه‌ای خواند که در

بخشی از آن فرمود:

«أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ عَلِيًّا بَابٌ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا  
وَمَنْ خَرَجَ مِنْهُ كَانَ كَافِرًا، أَقُولُ قَوْلِي هَذَا،  
وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ».»

«همانا علی بن ابی طالب علیه السلام دربی است که هر کس بر آن وارد شود؛ یعنی او را بشناسد و بر او اقتدا کند، آرامش و امنیت کامل را در می‌یابد و هر کس به آن درب روی نیاورد و مخالفت با او کند

کفر و بدبختی و تیره روزی او را فرا خواهد گرفت،  
سپس فرمود: این گفته و مطلب اساسی من است،  
آنگاه برای خود و دیگران طلب رحمت و آمرزش  
نموده و گفت: استغفر الله لى ولکم و آنگاه از منبر  
فرود آمد.»<sup>(۱)</sup>

---

۱ - الروائع المختارة، ص ۷؛ تفسیر فرات کوفی، ج ۵۴، ص ۷۹؛  
بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۵۱

## آمرزش گناه در پرتو محبت

قالَ الْحَسْنُ بْنُ عَلَيٍّ :

«وَاللَّهِ لَا يُحِبُّنَا عَبْدُ أَبْدًا وَلَوْ كَانَ أَسِيرًا فِي الدَّيْلَمِ  
إِلَّا نَفَعَهُ حُبُّنَا  
وَإِنَّ حُبَّنَا لَيُسَاقِطُ الذُّنُوبَ مِنْ بَنِي آدَمَ  
كَمَا يُسَاقِطُ الرِّيحُ الْوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ.»

«سوگند به خداوند که کسی دوست نمی‌دارد ما را  
- گرچه در دورترین نقاط؛ همچون دیلم<sup>(۱)</sup> اسیر

۱ - اهل نجوم می‌گویند دیلم سرزمینی است در اقلیم (قاره) چهارم که طول آن ۷۵ درجه و عرض آن ۳۶/۱۰ سی و شش درجه و ده دقیقه

باشد - مگر این که دوستی ما به حال او مفید خواهد بود، همانا ولایت و محبت ما - اهل بیت - گناهان فرزندان آدم را از بین می‌برد همان طوری که باد، برگ درختان را از شاخه و تنّه او جدا می‌کند و به زمین می‌ریزد.»<sup>(۱)</sup>

---

می باشد. (معجم البلدان، ج ۲، ص ۶۱۴)  
۱ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۵

۱۰

## غفلت در دنیا و پشیمانی در آخرت

قالَ الْحَسْنُ :

النّاسُ فِي دَارِ سَهْوٍ وَ غَفْلَةً يَعْمَلُونَ وَلَا يَعْلَمُونَ  
فَإِذَا صَارُوا إِلَى الْآخِرَةِ صَارُوا إِلَى دَارِ يَقِينٍ  
يَعْلَمُونَ وَ لَا يَعْمَلُونَ.

امام حسن ؑ فرمود:

مردم [در این دنیا] در خانه بی خبری و غفلت بسر  
می‌برند، پس هر کاری را انجام می‌دهند، نمی‌دانند  
[نشرش را] و چون به خانه آخرت روند، به وادی یقین  
در آیند و همه چیز را بدانند و لکن نتوانند عمل  
سودمندی را در آنجا برای خویش انجام دهنند.<sup>(۱)</sup>

۱ - سیدعبدالله شیر، مصابیح الانوار، ج ۲، ص ۲۷۱

## حکومت و اهل بیت علیهم السلام

امام مجتبی علیهم السلام در پاسخ به نامه‌ای که معاویه برای آن حضرت فرستاده بود، چنین جواب دادند:

«إِنَّمَا هَذَا الْأَمْرُ لِي وَالخِلَافَةُ لِي وَلَا هُنَّ أَهْلٌ لَّيْتِي،  
وَإِنَّهَا لِمُحَرَّمَةٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ  
سِمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ .

وَاللَّهُ لَوْ وَجَدْتُ صَابِرِينَ عَارِفِينَ بِحَقِّي  
غَيْرَ مُنْكِرِينَ مَا سَلَّمْتُ لَكَ وَلَا أَعْطَيْتُكَ مَا تُرِيدُ .»

«همانا این امر (حکومت) و جانشینی رسول خدا علیهم السلام از آن من و مربوط به اهل بیت من است

و بر تو و خاندانت حرام است.  
این مطلب را از رسول خدا علیه السلام شنیده‌ام.

سپس فرمود:

سوگند به خداوند، چنانچه یارانی آگاه و آشنا به  
حکم، می‌یافتم (که در راه احیای حق ایستادگی  
می‌نمودند) حکومت را به تو واگذار نمی‌کردم و آنچه  
را که تو می‌خواستی، به تو نمی‌دادم». (۱)

## فرجام امامان راستین

جناده گوید: در روزهای واپسین عمر امام مجتبی علیهم السلام خدمت آن حضرت رسیدم، آن حضرت به من نگاهی کرد و فرمود:

﴿وَاللَّهِ لَقَدْ عَهَدَ إِلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ  
يَمْلِكُهُ إِثْنَا عَشَرَ إِمَامًا مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ،  
مَا مِنْنَا إِلَّا مَسْمُومٌ أَوْ مَقْتُولٌ﴾

«سوگند به خداوند که رسول خدابما وعده نمود: امامت و وصایت بعد از او را دوازده نفر بدست می‌گیرند، یازده نفر آنان از فرزندان علی و فاطمه علیهم السلام هستند. سپس حضرت فرمود: ما جانشینان او در فرجام کار، در راه خدا یا مسموم می‌گردیم و یا کشته می‌شویم.»<sup>(۱)</sup>

۱ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۳۹؛ جلاء العيون، شتر، ج ۱، ص ۳۷۰؛

شیعیان کیست‌اند و دوستان کدام‌اند

قالَ لَهُ رَجُلٌ : «يَا بَنَّ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي مِنْ شِيعَتِكُمْ»

فَقَالَ الْحَسَنُ :

«يَا عَبْدَ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ لَنَا فِي أَوْاْمِرِنَا وَزَوَاجِنَا  
مُطِيقًا فَقَدْ صَدَقْتَ، وَإِنْ كُنْتَ بِخِلَافِ ذَلِكَ  
فَلَا تَزِدْ فِي ذُنُوبِكَ بِدَعْوَالَكَ مَرْتَبَةً شَرِيفَةً لَستَ  
مِنْ أَهْلِهَا، لَا تَقُلْ أَنَا مِنْ شِيعَتِكُمْ وَلَكِنْ قُلْ أَنَا  
مِنْ مُؤْالِيكُمْ وَمُحِبِّيكُمْ وَمُعَادِي أَعْدَائِكُمْ وَأَنْتَ  
فِي خَيْرٍ وَإِلَيْ خَيْرٍ.»

مردی روبه امام حسن علیهم السلام کرد و سپس گفت: «ای پسر رسول خدا من شیعه شما هستم.» امام علیهم السلام فرمود:

«ای بندۀ خدا، اگر در انجام واجبات و خودداری از محرمات (گناهان) پیرو ما هستی و تبعیت می‌کنی که راست می‌گویی، و چنانچه اینگونه نیستی، با این ادعای دروغ بر گناهان خود افزودی؛ زیرا شیعه و پیرو ما از مقام والا و بلندی برخوردار است و تو اهل آن نیستی، مگو که من شیعه تو هستم، بلکه بگو من از دوستان و هواداران و نیز از بدخواهان دشمنان شمایم، در این صورت تو در خیر و نیکی بسر می‌بری و در مسیر خیر خواهی قرار داری.»<sup>(۱)</sup>

۱ - مجموعه ورام، ص ۱۱۳، چاپ تهران، مؤسسه حیدری.

## معیارهای دوستان سالم

مردی از امام حسن عسکری خواست که دوست و همنشین وی باشد،  
امام علیه السلام سه شرط را برایش مطرح نمود:

«قال علیه السلام : إِيَّاكَ أَنْ تَمْدَحَنِي فَإِنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي  
مِنْكَ أَوْ تُكَذِّبَنِي فَإِنَّهُ لَا رَأْيَ لِمَكْذُوبٍ أَوْ  
تَغْتَابَ عِنْدِي أَحَدًا، فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ : إِئْذِنْ لِي  
فِي الْإِنْصِرافِ.

فَقَالَ علیه السلام : نَعَمْ إِذَا شِئْتَ.»

فرمود:

۱ - اول آن که از من ستایش و تعریف نکنی؛ زیرا

من نسبت به خودم از تو آگاهترم.  
۲ - مرا دروغگو ندانی؛ زیرا دروغگو رأی و عقیده  
درستی ندارد.  
۳ - مبادا در برابر من از کسی غیبت کنی.  
چون آن مرد شرایط دوستی با آن حضرت را  
دشوار دید گفت: می‌خواهم از درخواست خود  
منصرف شوم!  
امام علیهم السلام فرمود: آری هر طور می‌خواهی انجام

(۱) بدھ.

۱ - تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۳۶، باب حکمه علیهم السلام و مواضعه.

## سیاست از دیدگاه معصوم

مردی از امام مجتبی ﷺ پرسید: سیاست چیست؟

فقال ﷺ: هی آن ترعنی حقوق الله، حقوق الأحياء، و حقوق الأموات. فاما حقوق الله فأداء ما طلب واجتناب عما نهى.

واما حقوق الأحياء: فهی آن تقوم بواجبك نحو إخوانك، ولا تتأخر عن خدمته أمتک وآن تخلص لولي الأمر ما أخلص لامته وأن ترفع عقيرتك في وجهه إذا ما خاد عن الطريق السوي.

واما حقوق الأموات: فهی آن تذكر خيراتهم و تتغاضى عن مساوئهم فإن لهم رباً يحاسبهم.

فرمود:

«سیاست، رعایت حقوق خدا، و حقوق زندگان از مردم و حقوق اموات آنان است.

اما حق خداوند: انجام دادن فرایض (واجبات) و دوری کردن از آنچه مارانهی کرده است (محترمات).

اما حقوق زندگان: این که وظیفه خود را نسبت به مردم انجام دهی و هرگز از خدمت به جامعه خود باز نمانی، و همان طوری که زمامدار با تو با صداقت رفتار می‌کند تو هم باید با حقیقت و اخلاص رفتار نمایی و چون اقوام و بستگانت از راه راست منحرف شدند، آنها رابه راه راست رهنمون باشی.

و اما حقوق اموات: آن است که از خوبیهای آنان سخن گویید و از زشتیهایشان چشم پوشی کنید؛ زیرا برای آنان خداوندی است که حساب آنها را رسیدگی خواهد کرد.»<sup>(۱)</sup>

---

۱ - الروائع المختارة، سید مصطفی موسوی، ص ۱۱۸؛ مجموعه ورام،

## عزت مؤمن

قالَ الامامُ الْمُجَتبِيُّ :

«لَوْ جَعَلْتُ الدُّنْيَا كُلُّهَا لُقْمَةً وَاحِدَةً لَقَمَتُهَا

مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ خَالِصًا لِرَأْيِتُ أَنِّي مُقَصَّرٌ فِي حَقِّهِ،  
وَلَوْ مَنَعْتُ الْكَافِرَ مِنْهَا حَتَّى يَمُوتَ جُوعًا وَعَطَشًا  
ثُمَّ أَذَقْتُهُ شَرْبَةً مِنَ الْمَاءِ لِرَأْيِتُ أَنِّي قَدْ أَسْرَفْتُ.»

«اگر همه دنیا را تبدیل به یک لقمه غذا کنم و به انسانی که خدا را از روی خلوص عبادت می‌کند بخورانم، درباره او کوتاهی کرده و خودم را مقصّر

می‌دانم و چنانچه فرد کافری را گرسنگی دهم تا به  
آن اندازه که جانش از شدت گرسنگی و تشنگی به  
لب برسد، آنگاه مقداری کمی آب به او بدهم، خود  
را نسبت به او اسراف کار می‌پندارم.»<sup>(۱)</sup>

## انتخاب دوست

قالَ رَبِيعٌ لِبَعْضِ وُلْدِهِ:

يَا بْنَيَّ لَا تُؤَاخِحُ أَحَدًا حَتَّى تَعْرَفَ مَوَارِدَهُ وَمَصَادِرَهُ  
فَإِذَا اسْتَبَطْتَ الْخُبْرَةَ وَرَضِيتَ الْعِشْرَةَ  
فَآخِهِ عَلَى إِقَالَةِ الْعَثْرَةِ وَالْمُواسَأَةِ فِي الْعُسْرَةِ.

«پسرم با هیچکس پیمان دوستی مبنی نداشت اما مگر این که  
بدانی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود؛ یعنی خصوصیات  
اخلاقی و خانوادگی اش را بدست آور، و چون دقیق  
بررسی کردی و او را انسانی شایسته یافتی، بر پایه  
گذشت و اغماض و برادری در سختیها و لغزشها با او  
رفتار کن و دوستی‌ات را استمرار بخش.»<sup>(۱)</sup>

۱ - تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۳۳، باب حکمه علیهم السلام و مواضعه.

## توجه به حقوق دیگران

قالَ :

«أَعْرَفُ النَّاسَ بِحُقُوقِ إِخْرَانِهِ وَأَشَدُّهُمْ قَضَاءً لَهَا  
أَعْظَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا وَمَنْ تَوَاضَعَ فِي الدُّنْيَا لَا إِخْرَانِهِ  
فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّدِيقِينَ وَمِنْ شَيْعَةِ عَلِيٍّ بْنِ  
أَبِي طَالِبٍ »

«ولاترین مقام در نزد خداوند از آن کسی است که آشنا  
به حقوق مردم باشد و سعی در ادای آن نمایند، و کسی  
که در برابر برادران دینی اش تواضع داشته باشد،  
خداوند او را از راستگویان و شیعیان علی بن ابیطالب علیہ السلام  
محسوب خواهد کرد.»<sup>(۱)</sup>

۱ - حیاة الامام الحسن بن علی علیہ السلام، ج ۱، ص ۳۱۹؛ مجموعه ورام،  
ص ۳۱۲، چاپ تهران، مؤسسه حیدری.

۱۹

## نیکی چیست؟

قالَ الْمُجَتَبِيَّ :

الْمَعْرُوفُ مَا لَمْ يَتَقَدَّمْهُ مَطْلُ وَلَا يَتَبَعْهُ مَنْ  
وَالإِعْنَاطَاءُ قَبْلَ السُّؤَالِ مِنْ أَكْبَرِ السُّؤَالَ.

امام مجتبی علیهم السلام فرمود:

کار نیک آن است که قبل از انجامش هیچگونه  
سسی و مسامحه‌ای انجام نگیرد و بعد از پایان کار  
هیچ منتی همراه نداشته باشد [بعد فرمود:] بخشنده‌گی  
قبل از سؤال کردن نشانه بزرگواری است.<sup>(۱)</sup>

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۲، ب ۱۹، ح ۷

## عبدات در سرزمین عرفات

قالَ الْحَسْنُ :

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبَاهِي مَلَائِكَتَهُ بِعِبَادَةِ يَوْمِ عَرَفَةِ فَيَقُولُ:  
عِبَادِي جَاؤُنِي شُعْثَاً يَتَعَرَّضُونَ لِرَحْمَتِي فَأَشْهِدُكُمْ أَنِّي  
قَدْ غَفَرْتُ لِمُحْسِنِهِمْ وَ شَفَّعْتُ مُحْسِنَهُمْ فِي مُسِيئِهِمْ  
وَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ فَمِثْلُ ذَلِكَ.

امام حسن علیه السلام فرمود: همانا خداوند مبارکات و افتخار به بندگان خود در سرزمین عرفات می‌کند و به فرشتگان خود می‌گوید: بندگان من بر روی خاکها نشسته‌اند و طلب رحمت می‌کنند گواه باشید که من نیکوکاران آنها را بخسیدم و آنان را شافع و واسطه در بخشش گناهکاران آنها قرار دادم و به هنگام قیامت نیز آنان شفاعت می‌کنم.<sup>(۱)</sup>

۱ - تاریخ ابن عساکر، ج ۱۲، ص ۵۲۹.

۲۱

## تقوا

بخشی از سخنان امام عَلِيٰ درباره پرهیزکاری:

«إِتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَجِدُّوا فِي الْطَّلَبِ وَتِجَاهَ الْهَرَبِ  
وَبَادِرُوا الْعَمَلَ قَبْلَ مُقْطَعَاتِ النَّقَمَاتِ وَهَادِمِ اللَّذَّاتِ،  
فَإِنَّ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ نَعِيمُهَا وَلَا تُؤْمِنُ فَجِيئُهَا  
وَلَا تُتَوَقَّى مَسَاوِيهَا، غُرُورٌ حَائِلٌ وَسِنَادٌ مَائِلٌ.

«ای بندگان خدا، از نافرمانی در برابر شیوه پنهانی خود را بپرهیزید. و برای تحقق خواسته‌های خویش کوشش نمایید و از کارهای ناروا بگریزید قبل از اینکه سختیها به شما رو آورد و به آغوش مرگ

بیفتید به کارهای نیک مبادرت ورزید. همانا  
نعمتهای دنیا زودگذر و ناپایدار است و کسی از  
خطرها در امان نیست و مصون از بدبختیها نخواهد  
بود، دنیا فریبگر مانع خوشبختی است و تکیه  
گاهی سست و بی اساس است.<sup>(۱)</sup>

---

۱ - تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۳۶



## چگونگی ورود به نماز

امام حسن مجتبی علیهم السلام هرگاه می‌خواست نماز بپا دارد، بهترین لباسهای خویش را می‌پوشید، بعضی از آن حضرت سبب آن را پرسیدند.

قال علیهم السلام : «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّي وَقَرَأً الآية:

يا بني آدم خذوا زينتكم عند كل مسجد». <sup>(۱)</sup>

«همانا خداوند زیبا است (منبع و مجمع همه زیباییها است) و زیبایی را دوست دارد و چنانچه

من در وقت اقامه نماز لباس زیبا به تن می‌کنم فقط  
به خاطر پروردگار و خالقم می‌باشد. در آن هنگام  
آیه شریف ذیل را خواند:

ای انسانها به هنگام عبادت خداوند، لباسهای  
زیبا و زیستی خود (بهترین لباسهای ایمان) را بپوشید.<sup>(۱)</sup>

---

۱ - تفسیر صافی، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۲، ص ۱۸۹، ذیل آیه

شریفه: ۳۱

## دعای قنوت

ابی الجوزاء می‌گوید: خدمت امام مجتبی علیه السلام بودم که در دعا،

دست چنین می‌فرمود:

«رَبِّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ  
 وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَغْطَيْتَ  
 وَقِنِي شَرّ مَا قَضَيْتَ إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضِي عَلَيْكَ  
 إِنَّهُ لَا يُذْلِلُ مَنْ وَالْيَتَ تَبَارَكَ رَبَّنَا وَتَعَالَىٰتَ.»

«پروردگارا؛ مرا به راه کسانی هدایت کن که خود،  
 آنها را هدایت فرمودی، و سلامتی را آن گونه  
 عنایت کن که به آنها عنایت کردي و دوست بدار

مرا همانطوری که آنها را دوست داشتی و برکت ده  
در آنچه بر من ارزانی داشتی و نگهدار مرا از شر و  
بدی آنچه حکم کردی - [در سایه اعمال زشت، بعضی از  
شورور به صورت طبیعی سراغ انسان می‌آید که عکس العمل افعال و  
کردار شخص است] - همانا تو حاکم بر همه اشیائی و  
هیچ چیز بر تو غالب نخواهد بود، پروردگارا خوار و  
ذلیل نمی‌شود کسی را که تو دوست بداری، پاک و  
منزه و بلند مرتبه است پروردگار ما.»<sup>(۱)</sup>

---

۱ - الامام المجتبی ابو محمد الحسن بن علی - علیهم السلام - ، حسن المصطفوی، ص ۲۵۰؛ به نقل از تهذیب ابن عساکر، ج ۴، ص ۱۹۹

## چگونگی ورود به مسجد

امام مجتبی ؑ به هنگام ورود به مسجد، سر را به طرف آسمان بلند می‌کرد و می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ صَبِّرْنَاكَ بِبَيْلَكَ يَا مُحْسِنْ قَدْ أَتَاكَ الْمُسِيءُ،

فَتَجَاوِزْ عَنْ قَبِيحِ مَا عِنْدِي

بَجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ يَا كَرِيمُ.»

«پروردگارا مهمان تو، جلو در خانه‌ات ایستاده است.  
ای نیکوکار، بندۀ تباہ کار و بدرفتار به درگاهت شتافته،  
از زشتیهایی که مرتكب شده به خاطر زیباییهایی که  
در نزد تواست، درگذر و بخش، ای بخشنده کریم.»<sup>(۱)</sup>

۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۹؛ جلاء العيون، ج ۱، ص ۳۲۱

## فوايد رفت و آمد به مسجد

قالَ الْمُجَتبِيَ :

«مَنْ أَدَمَ الْخِتَالَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى ثَمَانِ  
آيَةً مُحْكَمَةً، وَأَخَّاً مُسْتَقَادًا وَعِلْمًا مُسْتَطْرِفًا، وَرَحْمَةً  
مُنْتَظَرَةً وَكَلِمَةً تَدْلُّ عَلَى الْهُدَى، أَوْ تَرُدُّهُ عَنْ رَدِّى  
وَتَرَكَ الذُّنُوبِ حُبًّاً أَوْ خَشِيَّةً».»

«کسی که به مسجد رفت و آمد (تردد) داشته باشد، بر یکی - یا بیشتر - از نعمتهاي هشتگانه دسترسی پیدا خواهد نمود:

۱ - استدلالهای استوار و محکم در امور دینی خود (اعتقادی، فقهی، سیاسی و...);

- ۲ - دستیابی به دوستان سودمندی که تردد با آنها مایه بهرهوری است؛
- ۳ - معلومات و دانش تازه و شگفت‌انگیز؛
- ۴ - رحمت و نعمتی که چشم به راه اوست؛
- ۵ - دستیابی به سخنان هدایت کننده‌ای که شخص را به راه راست رهبری می‌کند؛
- ۶ - دستیابی به مطالبی که انسان را از پستیها و ضد ارزشها دور می‌دارد؛
- ۷ - دوری از گناه و محرمات یا بدان جهت که ترک گناه را دوست می‌دارد؛
- ۸ - دوری از گناه و محرمات یا بدان جهت که می‌ترسد گرفتار عقوبت الهی شود یا آبرو و حیثیت خود را با انجام گناه از بین ببرد.»<sup>(۱)</sup>

۱ - الروائع المختارة، ص ۱۱۱؛ به نقل از: عيون الأخبار، ابن قتيبة، ج ۳؛ ص ۳؛ در بعضی نسخه‌ها «أو تردد عن ردى» می‌باشد.

## توجه به قیامت

گاهی امام رامحزون و اندوهگین می‌دیدند، بطوری که اشکهای چشم امام بر روی صورتش جاری بود، از آن حضرت می‌پرسیدند: چرا شما محزونید و گریه می‌کنید؟! و حال آن که شما وارد پیامبر و وصی او هستید، فرمود:

«إِنَّمَا أَبْكِي لِخَصْلَتِينِ:  
لِهَوْلِ الْمُطْلَعِ، وَ فَرَاقِ الْأَحِبَّةِ.»

«گریه من برای دو چیز است:

۱ - وحشت از ورود به صحنه قیامت

۲ - جدایی از دوستان و عزیزانی که انسان بدانها

وابسته و علاقهمند است.»<sup>(۱)</sup>

۱ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۵۰؛ الوافی، فیض کاشانی، ج ۲، ص ۱۷۴

## ماه رمضان ماه آزمایش

مَرَّ ﷺ فِي يَوْمِ فِطْرٍ بِقَوْمٍ يَلْعَبُونَ وَيَضْحَكُونَ، فَوَقَفَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ فَقَالَ:

«إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ مِضْمَارًا لِخَلْقِهِ فَيَسْتَبِقُونَ فِيهِ بِطَاعَتِهِ إِلَى مَرْضَاتِهِ، فَسَبَقَ قَوْمٌ فَقَازُوا وَقَصَرَ آخَرُونَ فَخَابُوا، فَالْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ مِنْ صَاحِبِ الْأَعِبِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يُثَابُ فِيهِ الْمُحْسِنُونَ وَيَخْسَرُ فِيهِ الْمُبْطَلُونَ، وَأَيْمَنُ اللَّهِ لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ لَعْلَمُوا أَنَّ الْمُحْسِنَ مَشْغُولٌ بِإِحْسَانِهِ وَالْمُسْئِ مَشْغُولٌ بِإِسَاءَتِهِ،»

ثُمَّ مَضَى.

«روز عید فطری بود، امام مجتبی علیهم السلام به جمعی که مشغول به بازی و خنده بودند برخورد، بالای سر آنان ایستاد و فرمود:

خداآوند ماه رمضان را میدان مسابقه و بهره برداری برای مخلوق خویش قرار داده که با اطاعت و بندگی بر یکدیگر پیشی و سبقت گیرند و خشنودی خدای را به دست آورند، گروهی سبقت جستند و مسابقه را بردن و گروهی دیگر عقب ماندند و متضرر شدند. شگفت و تعجب از آنانی است که در روز پاداش گرفتن نیکوکاران و زیان دیدن بی هدفان، به خنده و لهو و لعب پرداخته اند. به خدا قسم اگر حجاجها برکنار شود، خواهید دید نیکرفتار به نیکی خویش مشغول است و بدکردار به رفتار بدش گرفتار؛ یعنی قیامت را به چشم خویش می بیند و نتایج رمضان را مشاهده می کند.

سپس آنها را به حال خویش واگذشت و رفت.»<sup>(۱)</sup>

۱ - تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۳۶

۲۸

## چاره‌اندیشی در ترک گناه

مردی خدمت امام مجتبی عَلِيٰ رسید، عرض کرد: من بنده‌ای گنه‌کارم و برانجام معصیت عادت نموده‌ام نمی‌توانم گناه نکنم. ای فرزند پیامبر خدا، مرا پند و اندرزده و موعظه کن. حضرت فرمود:

«اِفْعَلْ خَمْسَةَ أَشْيَاءٍ وَإِذْنِبْ مَا شِئْتَ، لَا تَأْكُلْ  
رِزْقَ اللَّهِ وَإِذْنِبْ مَا شِئْتَ، وَاطْلُبْ مَوْضِعًا لَا يَرَاكَ  
اللَّهُ وَإِذْنِبْ مَا شِئْتَ، وَأَخْرُجْ مِنْ وِلَائِيَةِ اللَّهِ وَإِذْنِبْ  
مَا شِئْتَ، وَإِذَا جَاءَ مَلَكُ الْمَوْتِ لِيَقِضَ رُوحَكَ  
فَادْفَعْهُ عَنْ نَفْسِكَ وَإِذْنِبْ مَا شِئْتَ، وَإِذَا أَدْخَلَكَ  
مَالِكُ النَّارِ فَلَا تَدْخُلْ فِي النَّارِ وَإِذْنِبْ مَا شِئْتَ.»

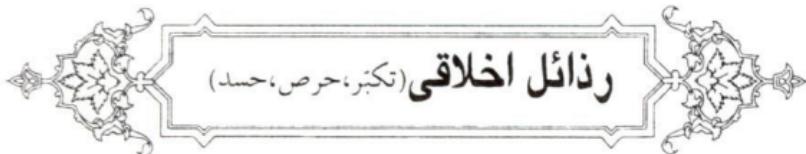
## «چنانچه نمی‌توانی ترک گناه کنی، پنج کار را انجام بده و هر چه می‌خواهی گناه کن:

- ۱- روزی خدای رانخور.
- ۲- گناه را در جایی انجام ده که خداوند تو را نبیند.
- ۳- از سرزمین خدا خارج شو، (و برو به جایی که در زیر سلطه و قدرت خداوند نباشد!).
- ۴- آنگاه که فرشته مرگ (عزرائیل) خواست جانت را بگیرد او را از خود دور کن.
- ۵- هنگامی که مالک دوزخ خواست تو را داخل آتش کند، پس با قدرت ایستادگی کن و داخل نشو.

این پنج عمل را انجام بده، بعد هر چه خواستی

گناه کن.»<sup>(۱)</sup>

۱- اثنی عشریه، محمد بن قاسم حسینی، ص ۱۲



قالَ الْمُجَتَبِيَّ :

هَلَّاكُ النَّاسِ فِي ثَلَاثٍ : الْكِبْرُ وَالْحِرْصُ وَالْحَسْدُ ،  
فَالْكِبْرُ هَلَّاكُ الدِّينِ وَ بِهِ لُعْنَ إِبْلِيسُ  
وَالْحِرْصُ عَدُوُ النَّفْسِ وَ بِهِ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ  
وَالْحَسْدُ رَائِدُ السُّوءِ وَ مِنْهُ قَاتَلَ قَابِيلُ هَابِيلَ .»

در مورد آثار شوم بعضی از رذائل اخلاقی، امام مجتبی علیهم السلام فرمودند:

«سه چیز مردم را به هلاکت می‌رساند: تکبر، حرص و آز، حسد. پس خودبینی و تکبر، دین

انسان را از بین می‌برد، همانطوری که شیطان تکبر کرد و دینش نابود شد و منفور گردید. حرص و آز دشمن شخصیت هر فرد است همانطور که آدم ابوالبشر ( بواسطهٔ حرصی که در وی به وجود آمد) از بجهشت رانده شد. حسد (آرزوی زوال نعمت از دیگران) راهبر بدختیها و تیره‌روزیها است، بواسطهٔ حسد قabil هabil را کشت.<sup>(۱)</sup>

۳۰

## بُخْل

قالَ الْأَمَامُ الْحَسْنُ :

«الْبُخْلُ جَامِعٌ لِلْمَسَاوِيِّ وَالْعُيُوبِ  
وَقَاطِعٌ لِلْمَوْدَاتِ مِنَ الْقُلُوبِ.»

«بخل سرآمد همه بدیها و زشتیها است،  
که محبت و دوستی را از دلها می‌زداید.»

مردی پرسید بخل چیست؟

فَقَالَ عَلِيًّا : «هُوَ أَنْ يَرَى الرَّجُلُ مَا أَنْفَقَهُ تَلَفًا وَأَمْسَكَهُ شَرَفًا.»  
در جواب آن مرد فرمود: بخل آن است که انسان  
هر آنچه را جمع کند شرف بداند، و هر آنچه را اتفاق  
وبخشش می‌کند تلف شده و از دست رفته بشمارد.»<sup>(۱)</sup>

۱ - حیات‌الامام‌الحسن، باقر‌شرف قرشی، ج ۱، ص ۳۱۹.

## آداب غذا خوردن

قالَ الْأَمَامُ الْحَسَنُ :

«فِي الْمَايِّدَةِ اثْنَتَيْ عَشَرَ خَصْلَةً يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَعْرِفَهَا، أَرْبَعٌ فِيهَا فَرْضٌ، وَأَرْبَعٌ سُنَّةٌ، وَأَرْبَعٌ تَأْدِيبٌ:  
 الفَرْضُ: الْمَعْرِفَةُ، الرِّضَا، التَّسْمِيَّةُ، الشُّكْرُ.  
 السُّنَّةُ: الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ، الْجُلوسُ عَلَى الْجَانِبِ  
 الْأَيْسِرِ، الْاِكْلُ بِثَلَاثَةِ أَصْبَاعٍ، وَلَعْقِ الْأَصْبَاعِ.  
 التَّأْدِيبُ: الْاِكْلُ مِمَّا يَلِيكَ، تَصْغِيرُ الْقُمَّةِ، تَجْوِيدُ  
 الْمَضْغُ، قِلَّةُ النَّظَرِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ.»

«سزاوار است مسلمان هنگام غذا خوردن دوازده چیز را رعایت نماید. که چهار تای آن واجب (اخلاقی) و چهار امر دیگر آن سنت و سیره اسلامی است و

چهارتای باقی مانده، از آداب محسوب می‌گردد.

اما چهار امر لازم:

۱ - شناسایی غذا

۲ - خشنود بودن بدانچه روزی ات گردیده

۳ - نام خدا را بر زبان جاری کردن (بسم الله گفتن)

۴ - شکرگزاری در برابر نعمتی که به تو داده شده.

اما چهار موضوعی که مراعات آن ثواب و سنت است:

۱ - وضو گرفتن پیش از شروع به غذا

۲ - نشستن بر جانب چپ بدن

۳ - غذا را با سه انگشت بردارد و بخورد.

۴ - انگشتان خود را بليسد.

و چهار امر باقی مانده که از ادب اسلامی به شمار می‌رود:

۱ - لقمه را از جلو خویش بگیرد

۲ - لقمه‌های غذا را کوچک بردارد

۳ - غذا را خوب بجود

۴ - به صورت دیگران نگاه نکند.»<sup>(۱)</sup>

۱ - من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۲۷، ح ۳۸

۳۲

## شستن دست قبل از غذا

قالَ الْحَسْنُ :

«غَسْلُ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ

يُنْفِي الْفَقْرَ وَبَعْدَهُ يُنْفِي الْهَمَّ.»

«شستشوی دو دست قبل از غذا،

فقرو بیچارگی را از بین میبرد

و بعد از غذا، غم و غصه را از بین میبرد.»<sup>(۱)</sup>

۱ - اثنی عشریة، ص ۵۵، و نیز حدیث فوق از امام صادق - ع - نقل شده.  
رک : فروع کافی، ج ۶، ص ۲۹۰

۳۲

## چرا وحشت از مرگ؟

قالَ لَهُ رَجُلٌ: يابنَ رَسُولِ اللهِ ﷺ مَا لَنَا نَكْرَهُ الْمَوْتَ  
وَ لَا نُحِبُّهُ؟ فَقَالَ ﷺ :

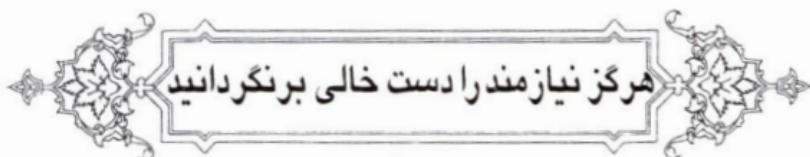
«إِنَّكُمْ أَخْرَبْتُمْ آخِرَتَكُمْ وَعَمَرَتُمْ دُنْيَاكُمْ،  
فَأَنْتُمْ تَكْرِهُونَ النُّقلَةَ مِنَ الْعُمْرَانِ إِلَى الْخَرَابِ.»

مردی از امام مجتبی ﷺ پرسید: چرا سفر مرگ برای ما ناخوش آیند است و از او استقبال نمی کنیم؟! حضرت فرمود:

«شما خانه آخرت را خراب کرده اید و خانه دنیا را آباد، طبیعی است که انتقال از اقامتگاه آباد به جایگاه خراب برای شما ناخوشایند است.»<sup>(۱)</sup>

۱ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۱۰، ح

۳۴



قِيلَ لَهُ: لَأْيٌ شَيْءٌ لَا نَرَاكَ تَرْدُّد سَائِلًا وَإِنْ كُثِّرَ عَلَى نَاقَةٍ؟

فقال عليه السلام :

«إِنِّي لِلَّهِ سَائِلٌ، وَفِيهِ رَاغِبٌ، وَأَنَا أَسْتَحْسِي  
أَنْ أَكُونَ سَائِلًا وَأَرْدَدَ سَائِلًا، وَإِنَّ اللَّهَ عَوَادَةً  
أَنْ يُفِيضَ نِعَمَهُ عَلَيَّ وَعَوَادَةً أَنْ أَفِيضَ نِعَمَهُ  
عَلَى النَّاسِ

فَأَخْشِي إِنْ قَطَعْتُ العَادَةَ أَنْ يَمْنَعَنِي العَادَةَ.»

گروهی در محضر امام مجتبی ﷺ بودند، از حضرت سؤال کردند:  
«چگونه است که شما هرگز سائل و نیازمندی را نامید  
برنمی‌گردانید، گرچه سوار بر اشتراحت، در حالت رفتن باشید؟»

«فرمود: من هم به درگاه خداوند محتاج و سائلم  
و می‌خواهم که خداوند مرا محروم نگرداند و شرم  
دارم که با چنین امیدواری، سائلان را نامید کنم،  
خدایی که نعمتهاایش را برابر من ارزانی داشته،  
می‌خواهد که من هم به مردم کمک کنم و می‌ترسم  
که اگر بخشنود خود را از مردم دریغ دارم، خداوند  
هم به من عنایتش را دریغ دارد و منع نماید. <sup>(۱)</sup>

---

۱ - نورالابصار، شبنجی، ص ۱۲۳؛ کنز المدفون، جلال الدین سیوطی،  
ص ۴۳۴؛ به نقل از بлагة الامام الحسن علیه السلام، ص ۱۲۵

۳۴

## نیکی را اینگونه پاسخ دهید

قالَ أَنْسُ بْنُ مَالِكَ: حَيَّتْ جَارِيَةً لِلْحَسَنِ بِطَاقَةٍ رَّيْخَانٍ، فَقَالَ لَهَا: «أَنْتِ حُرَّةٌ لِوَجْهِ اللَّهِ!» فَقَيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ:

فَقَالَ: «هَكَذَا أَدْبَنَا اللَّهُ - تَعَالَى - قَالَ: (إِذَا حَيَّتْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيِّوْا بِأَحْسَنِ مِنْهَا) <sup>(۱)</sup> وَكَانَ أَحْسَنُ مِنْهَا اِعْتَاقُهَا.

انس بن مالک می‌گوید: یکی از کنیزان امام مجتبی <عليه السلام> دسته‌گلی را به آن حضرت هدیه کرد. حضرت در پاسخ به او فرمود:

تو را در راه خدا آزاد نمودم. پس از این پاسخ زیبا،  
بعضی گفتند: در برابر یک دسته گل آزادی او، یعنی  
چه؟!

حضرت فرمود: خداوند اینگونه ما را تربیت نموده  
است؛ زیرا فرموده: آنگاه که جهت احترام به شما،  
هدیه‌ای دادند و یا تهنیتی فرستادند، شما با وضع  
بهتری پاسخگوی تحیت آنان باشید. و سپس  
فرمود: برتر از هدیه او، آزادی و رهاییش بود.<sup>(۱)</sup>

---

۱ - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۳، ح ۱۵، و بлагة الامام الحسن علیهم السلام، ص ۱۴ تحقیق حائری

## اهمیت غذای روحی

قالَ الْحَسْنُ بْنُ عَلِيٍّ :

«عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَا كُوِلِهِ  
كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ،  
فَيُجَنِّبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ، وَيُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُرْدِيهِ.»

«در شگفتمن از کسی که درباره خوراکیهای خود اندیشه و تأمل می‌کند و لیکن درباره نیازمندیهای فکری و عقلی اش تأمل نمی‌کند، پرهیز می‌کند از آنچه معده‌اش را اذیت می‌نماید و سینه و قلب خود را از پستترین چیزها پر می‌کند.»<sup>(۱)</sup>

۱ - بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۸

## خانهٔ دنیا سرگرمی است

مردی خدمت امام مجتبی علیه السلام رسید و گفت: آقا! خانه‌ای تازه ساخته‌ام دوست دارم در آن منزل جهت تیمن و تبرک داخل شوید و دعا کنید، امام علیه السلام به منزل آن شخص داخل شد و نگاهی به اطراف کرد و فرمود:

«أَخْرَبْتَ دَارَكَ وَعَمَّرْتَ دَارَ غَيْرِكَ

أَحَبَّكَ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَقْتَكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ..»

«ویران کردی خانهٔ خویش را و آبادی کردی خانهٔ دیگران را، زمینیها دوستدار تو شدند و عرشیان دشمن تو.»<sup>(۱)</sup>

۱ - الارشاد لمن طلب الرشاد، شیخ حسن نائینی، ص ۹۵

## مراعات سه نکته در جامعه

قالَ الْمُجَتَبِيَ :

«**حُسْنُ السُّؤالِ نِصْفُ الْعِلْمِ**

**وَمُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ**

**وَالْقَصْدُ فِي الْمَعِيشَةِ نِصْفُ الْمَوْنَةِ.**»

«پرسش صحیح و نیکو، نیمی از دانش است.  
سازش و مدارا نمودن با مردم نیمی از تدبیر و  
اندیشه انسانی است.

میانه روی و مراعات اقتصاد در زندگی، نیمی از  
مخارج انسان را می کاهد.»<sup>(۱)</sup>

۱ - شرح نهج البلاغه، ابن ابي الحديد، ج ۴، ص ۳۳۳ (چهار جلدی)

۳۹

## جانشینان پیامبر ﷺ

قالَ الْمُجَتَبِيَ :

«الاَئِمَّةُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ اِثْنَا عَشَرَ  
تِسْعَةُ مِنْ صُلْبِ أَخِي الْحُسَيْنِ،  
وَمِنْهُمْ مَهْدِيٌّ هُدَى الْأُمَّةِ.»

اصبغ بن نباته می‌گوید امام مجتبی ﷺ فرمود:  
«امامان و پیشوایان بعد از پیامبر خدا ﷺ دوازده نفر  
هستند که نُه نفر آنها از فرزندان برادرم حسین  
می‌باشند و از جمله آنها: مهدی این امت است.»<sup>(۱)</sup>

۱ - معجم احادیث الامام المهدی؛ ج ۳، ص ۱۷۱ به نقل از اثبات الهداء،  
ج ۱، ص ۵۶۹-۵۹۸، ب ۹، ف ۲۷، ح ۵۶۹؛ بحار الانوار، ج ۳۶،

ص ۳۸۳، ب ۴۳، ح ۱

مهدی عج از زبان امام مجتبی ﷺ

قالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ :

«ذِلِكَ التاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنِ سَيِّدَ الْإِمَامِ،  
يُطِيلُ اللَّهُ عُمْرَهُ فِي غَيْبَتِهِ، ثُمَّ يُظْهِرُهُ بِقُدرَتِهِ  
فِي صُورَةٍ شَابٍ دُونَ أَرْبَعِينَ سَنَةً،  
وَذِلِكَ لِيَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

«آن نهمین نفر، از فرزندان برادرم حسین فرزند  
اشرف کنیزان - نرجس<sup>(۱)</sup> است، در دوران غیبتش

۱ - نرجس بنت یشواع بن قیصر پادشاه روم بوده است که به شمعون از  
حوالیون عیسی - ع - نسبت داده می شود وی در جنگ های روم با  
مسلمانان جهت مداوای مجروهین شرکت کرده بود. در جنوب شرقی

خداوند طولانی می‌کند عمرش را، سپس او را به  
قدرت خویش به صورت جوانی که کمتر از چهل  
سال دارد، آشکار خواهد ساخت.

تا بدینوسیله خداوند ثابت کند که بر ایجاد همهٔ  
اشیاء قادر و توانا است.»<sup>(۱)</sup>

اروپا به دست گروه گشتی رزمی مسلمانان اسیر گشت، آنگاه که او را  
به مهراه دیگر اسرا به پشت جبهه انتقال دادند. گفت: نام من نرجس است  
که معمولاً کنیزها را بدان نام می‌خوانند و این واقعه در زمان امام دهم  
(علی النقی - ع) اتفاق افتاد، بشر بن سلیمان از سوی امام هادی - ع - او  
را خریداری کرد مدتی وقت خود را به آموزش معارف اسلامی گذراند  
و سپس امام هادی - ع - او را به عقد فرزندش امام حسن عسکری - ع -  
درآورد و مراحل کمال را در خدمت آن بزرگوار طی کرد، پس از  
مدتی این خانم عزیز و عفیف و پاکدامن مادر حضرت قائم - عجل الله  
تعالی فرجه الشریف - گردید. (قادتنا کیف نعرفهم، آیت الله العظمی  
میلانی، ج ۷، ص ۲۰۹؛ به نقل از یوم الخلاص، ص ۶۱)

۱- إكمال الدين، ج ۱، ص ۳۱۵، ب ۲۹، ح ۲؛ اعلام الورى، الطبرسى،  
ص ۱، ۴۰، ب ۲، ف ۲؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۹۴، ب ۲۴، ح ۲۲،  
احتجاج طبرسى، ج ۲، ص ۱۰، مکتبة المصطفوى بقم.